

## زوال امپراتوری عثمانی

محمد امیر شیخ نوری

### چکیده :

عثمانی یکی از امپراطوری های پایا و بزرگ تاریخ است که نزدیک به هفت قرن به نحوی در حوادث مهم دنیا و به خصوص دنیای اسلام موثر بوده است . این امپراطوری بنیان خود را از اواخر قرن سیزدهم از یک حکومت کوچک محلی مرزنشین با فلسفه غذا و جهاد آغاز و تا مرزهای وین پیشروی کرد ؛ ولی از قرن شانزدهم به علل گوناگون چون رنسانس و تحولات دنیای غرب و هماهنگ نشدن عثمانی با این تحولات ، شکست مداوم در جنگ ها ، بدست نیاوردن غنائم ، سرمایه گذاری نکردن در یک اقتصاد بنیادی و همچنین به علت عادت کردن به غنائم ساده غذا و جهاد ، توقفش آغاز شد .

هدف این مقاله ، توقف و زوال این امپراطوری می باشد .

### واژگان کلیدی :

امپراطوری عثمانی - غذا - رنسانس - بالکان - ینی چری - بیزانس

## مقدمه :

امپراطوری عثمانی در هنگام تأسیس خود در آغاز سده ۱۴ میلادی / ۸ هجری ، امارت کوچکی در ثغور ، جهان اسلام بود که خود را وقف جهاد علیه مسیحیان کرده بود . همین حکومت فاقد اهمیت مرزی ، به تدریج قلمروهای پیشین امپراطوری بیزانس را در آناتولی و شبه جزیره بالکان ، تصرف و جزئی از خود کرد و با تسخیر سرزمین های عربی در سال ۱۵۱۷ میلادی / ۹۲۳ هجری مقتدرترین حکومت جهان اسلام شد .

در دوران سلطنت سلیمان اول ( ۱۵۲۰-۱۵۶۶ میلادی / ۹۲۷-۹۷۴ هجری ) ، پیروزی های نظامی پیایی در محدوده ای گسترده از اروپای مرکزی تا اقیانوس هند ، به امپراطوری عثمانی اعتبار یک قدرت جهانی را بخشید ، ولی در جریان جنگهای طولانی سده ۱۷ میلادی ، موازنه قدرت به سود اروپا تغییر کرد . قدرت عثمانی زوال یافت و پا به رسمیت شناختن برتری غرب ، در سده ۱۸ میلادی ، امپراطوری از حیث سیاسی و اقتصادی به اروپا وابسته شد . از این به بعد هیچ چیز مانع شکستهای بعدی دولت عثمانی و از دست رفتن اراضی بالکان نشد . عوامل گوناگونی باعث تشدید

از دست رفتن اراضی بالکان شد که عبارتند  
از :

بروز ناامنی و نزاع های درونی در سراسر  
امپراطوری ، کشمکش دائمی قبایل و ایلات ،  
اختلافات مذهبی ، رکود اقتصادی ، تهدیدات  
خارجی ، گسترش ناسیونالیسم - که پیامد  
انقلاب فرانسه بود - رقابت قدرتهای  
اروپایی با امپراطوری عثمانی ، تحریک  
اقوام بالکان توسط قدرتهای اروپایی ،  
آغاز اصلاحات در بدترین موقع با هدف حفظ  
ملل تابعه و به ویژه بالکان ، کوتاه  
بودن دوره های ثبات و آرامش امپراطوری

برنارد لوئیس می نویسد : که عهدنامه صلح  
کارلوویتز (CARLOWITZ) که روز ۲۶ ژانویه  
۱۶۹۹ میلادی / ۱۱۱۱ هجری به امضاء رسید  
مشخص کننده پایان یک دوره و آغاز دوره  
ای دیگر بود . این اولین باری بود که  
امپراطوری عثمانی پیمان اصلی را به  
عنوان قدرتی مغلوب در جنگی کاملاً قطعی  
امضاء می کرد و مجبور به واگذاری  
سرزمینی های وسیعی که مدتها تحت نظر  
حکومت عثمانی قرار داشت و قسمتی از  
دارالاسلام به حساب می آمد به دشمنان

واگذار می شد . این آغازی سرنوشت ساز  
برای سده هجدهم بود .<sup>۱</sup>

علل انحطاط امپراطوری عثمانی به نحوه  
نگرش زمامداران آن به اوضاع داخلی و  
خارجی بر می گشت . آنان با اندیشه ها و  
روش های چند سده پیش به جامعه خود و  
جهان اطراف خویش می نگریستند . اصلاحات  
داخلی انجام نمی گرفت . شیوه زمینداری  
نظامی تبدیل به عاملی برای ستم بر  
مردمان ترک و عرب و اروپایی شده بود .  
نظام اداری کارایی نداشت و با ورود  
اندیشه های نوین مخالف می شد .<sup>۲</sup>

### دوران توقف و رکود (۱۷۱۸-۱۵۶۶ میلادی ۹۷۴-۱۱۳۱ هجری)

در کتیبه ای بازمانده از سال ۱۵۳۸ میلادی  
/ ۹۴۵ هجری ، بر فراز قلعه بندر ، سلطان  
سلیمان قانونی قدرت جهانگیر خود را این  
چنین بیان می کند :<sup>۳</sup> « من بنده خدا و  
سلطان این جهانم . به لطف خدا ، رهبر امت  
محمدیم . حول و قوه الهی و عنایت محمدی  
حافظ من هستند . من سلیمانم که به نامش  
در مکه و مدینه خطبه می خوانند .

---

۱- لوئیس ، برنارد : ظهور ترکیه جدید ، ترجمه محسن علی ، سبحانی ، ص ۴۸

۲- غفاری فرد ، عبسعلی : تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم ، ص ۳۶۷

۳- اینالحق ، خلیل : استانبول و فتح آن ، ترجمه علی کاتبی ، ص ۷۳

در بغداد شاهم ، در قلمرو بیزانس قیصر و در مصر سلطان ، کسی که سفائن خود را به دریای فرنگ ، مغرب و هند می فرستد . من همان سلطانم که تاج و تخت مجارستان را گرفت و به غلامی مطیع بخشید . ویوداپترو ، سر به شورش برداشت ، ولی سم اسبم او را لگدکوب خاک کرد و سرزمین مولد او را فتح کردم .».

ولی در سالهای پایانی سلطنت او ، اوضاع بین المللی به زیان عثمانی شده بود و کوشش سلیمان برای استیلا بر سراسر جهان با نخستین ناکامی های قاطع خود مواجه شد .

عقب نشینی از مالت ، در سال ۱۵۶۵ میلادی / ۹۷۳ هجری ، و آخرین لشکرکشی سلیمان به مجارستان در سال ۱۵۶۶ میلادی/ ۹۷۴ هجری ، شاخص آغاز توقف پیشروی عثمانی به سوی اروپای مرکزی و مدیترانه بود . فتح قبرس ، در سال ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ / ۹۷۸ - ۹۷۹ آخرین پیروزی بزرگ نامی عثمانیان بود .<sup>۴</sup>

روند فروپاشی ساخت پیچیده ی حکومت و جامعه عثمانی از نیمه سلطنت سلیمان با شکوه آغاز شد و تقریباً بلادرنگ تا پایان سده دوازدهم هجری / هجدهم میلادی ادامه

یافت ؛ طی این دوره ، قدرت امپراطوری  
رفته رفته رو به ضعف نهاد ، سرزمین هایی  
از قلمرو امپراطوری جدا شد ، سلطه  
امپریالیسم اروپا فزونی گرفت و سرانجام  
طی سده سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی ،  
امپراطوری را در آستانه ورود به دنیای  
جدید به چنان وضعی دچار کرد که به نام (  
مرد بیمار اروپا ) شهرت یافت .<sup>۵</sup>

### **عصر انحطاط عثمانی به دو دوره تقسیم می شود :**

۱- سده تمرکز زدایی که با سلطنت سلیم  
دوم آغاز شد و تا سال ۱۰۹۵ هجری /  
۱۶۳۸ میلادی ، یعنی زمانی که یک لشکر  
بازسازی شده ی عثمانی در دومین تلاش  
فرد برای تصرف وین شکست خورد ،  
ادامه یافت .

۲- سده تجزیه و تلاش نظام عثمانی که  
بیشتر سالهای سده دوازدهم هجری /  
هجدهم میلادی را در بر می گرفت و طی  
آن هرج و مرج داخلی با جدا شدن بخش  
هایی مهم از پیکره امپراطوری توأم  
شد .<sup>۶</sup>

---

۵- استنفورد ، جی شاو: تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید ، ترجمه محمود رمضان زاده ، جلد  
۱ ، ص ۲۹۲

۶- همان ، ص ۳۰۳

با آن که ترکیه هنوز هم امپراطوری بزرگ و نیرومندی بود ، ولی آثار و علائم انحطاط در آن به چشم می خورد . فتح و پیروزی به ندرت نصیب ترکان می شد و جنگهایی که علیه اتریش یا ایران انجام می گرفت ، دیگر توأم با کامیابی نبود . دوره زمامداری سلاطین ترک بسیار کوتاه و بیشتر آنها فاقد نیرو مهارت کافی بودند ، قساوت و سخت گیریهای آنها دیگر نتیجه ای نداشت ، اغلب آنها سرگرم عیاشی و خوشگذرانی شده ، اختیار کارها به دست نزدیکان حریص و بداندیش خود می گذاشتند ، تعداد افراد مزدور ارتش هر روز افزایش می یافت.<sup>۷</sup>

پس از مرگ سلیمان ، امپراطوری و در سرایشب زوال گام نهاد . سلاطین ناتوان یکی پس از دیگری براریکه فرمانروایی نشستند و امپراطوری عثمانی در جنگهای زمینی و دریایی به سختی شکست خورد . از ۱۵۶۶ تا ۱۷۱۸ میلادی / ۹۷۴ تا ۱۱۳۱ هجری ، امپراطوری عثمانی ، سیزده سلطان به خود دید که از آنان تنها سلطان مراد چهارم ( ۱۶۲۳ - ۱۶۴۰ میلادی / ۱۰۳۳ - ۱۰۵۰ هجری ) و سلطان مصطفای دوم ( ۱۶۹۵ - ۱۷۰۳ میلادی / ۱۱۰۷ - ۱۱۱۵ هجری ) اندکی

---

۷-دولاندن ، شارل : تاریخ جهانی ، ترجمه احمد بهمنش ، جلد دوم ، ص ۱۲۲

شایستگی داشتند . سلیم دوم ( ۱۵۶۶ - ۱۵۷۴ میلادی ) میگسار بود و زمام امور را به وزیر اعظم سپرد تا خود بتواند با خاطر آسوده به خوشگذرانی در حرم سرگرم شود .

طی دوره همین سلطان بود که نفوذ زنان حرمسرا به اوج خود رسید و ( سلطنت زنان ) را برقرار کرد که تا سده پس از آن ادامه یافت . فرزند او مراد سوم ( ۱۰۰۴ - ۹۸۲ هجری / ۱۵۹۵ - ۱۵۷۵ میلادی ) همه پنج برادران خود را در همان روز جلوس به سلطنت به قتل رساند . حضور تعداد چهل زن در دربار مراد که روی هم رفته ۱۳۰ پسر و تعداد زیادی دختر برای وی بدنیا آورده بودند ، از ویژگیهای این دوره می باشد . از این روی ، فرمانروایی زنان حرم ، بیش از هر زمان دیگر مجال بروز یافت .<sup>۸</sup>

در سال ( ۹۸۷ هجری قمری / ۱۵۷۹ میلادی ) صوقللی وزیر قراردادی تجاری با انگلستان به امضاء رساند . بنابراین قرارداد ، انگلیس از همان امتیازاتی در امپراطوری عثمانی برخوردار شد که پیش از آن تنها فرانسه و ونیز از آنها برخوردار بودند . بنابر قرارداد جدید ، کاپیتولاسیون ( ۹۹۹ هجری قمری / ۱۵۹۰ میلادی ) به بازرگانان انگلیسی اجازه داده شد که کالاهای خود را

تحت لوای پرچم خود از طریق دریا یا خشکی به قلمرو عثمانی وارد کنند و بی هیچ مشکلی به داد و ستد مشغول شدند.

همچنین به آنان اجازه داده شد که همچون اتباع فرانسه و ونیز که در گذشته مدتی مطابق قوانین و رسوم خود زندگی کرده بودند ، آنان نیز در زندگی خود ، از قوانین و آداب و رسوم کشور خود پیروی کنند . چندی پس از آن ، همان بارزگانان به اتفاق چند تن دیگر شرکت تجاری لوانت را ایجاد کردند و با کسب اجازه فعالیت برای شرکت خود ، انحصاری ونیز و فرانسه را در قلمرو عثمانی در هم شکستند و بدین ترتیب تشکیلات تجاری انگلیس به خاورمیانه راه یافت .<sup>۹</sup>

از طرف دیگر ورود نقره آمریکا از سال ۱۵۸۰ میلادی / ۹۸۸ هجری موجب تضعیف بازار عثمانی شد . با ثابت ماندن حقوق ماموران و نظامیان ، قیمت ها افزایش یافت که این خود باعث بی نظمی های اجتماعی شد . بودجه دولت کاهش و مالیات ها افزایش یافت ؛ مالیات های متنوع جدیدی وضع شد . فشار ماموران خارج از مرکز بر مردم افزایش یافت و از همه مهم تر ، ظاهر شدن راهزنان در آناتولی و ظاهر شدن گروه هایی

به نام جلای ، اداره دولت به دست نا اهلان ، سقوط ارزش و عیار پول ، گسترش خرابی اوضاع و سرکوب اهالی ایالت به وسیله ینی چری ها و قاپوچول ها زمینه را برای قیام مردمی علیه حکومت آماده کرد<sup>۱۰</sup>.

آناتولی در این تاریخ به صورت زمینی سوخته درآمد . دهات خالی از جمعیت شد و گروه های شورشی در آناتولی ، طی سالهای ۱۶۰۷ - ۱۶۱۰ میلادی / ۱۰۱۶ - ۱۰۱۹ هجری به شدت سرکوب شدند . بعدها این شورش ها در میان دولت مردان نیز وقوع پیوست که پس از سرکوب ، برای مطیع کردن مشاغلی چون بیگلربیگی و سنجق بیگی به آنها داده شد . شورش های سوریه و لبنان نیز شکل استقلال طلبی به خود گرفت ، ولی شورش های نامنظم آناتولی به راحتی سرکوب شدند ( ۱۶۰۷ میلادی )<sup>۱۱</sup>.

چنین بود نابسامانی حکومت عثمانی پس از آنکه نخست وزیر معروف به کوپرولو (kopru lu) به سال ۱۶۵۶ میلادی / ۱۰۶۷ هجری حکومت را به دست گرفت . عثمانیان بدون

---

۱۰- امامی خویی ، محمد تقی : تاریخ امپراطوری عثمانی ، ص ۹۱

۱۱- همان ، ص ۹۲

اخذ نتیجه کوشیدند به حکومت خویش سر و سامان دهند.<sup>۱۲</sup>

### دولت عثمانی در سده هفدهم و هجدهم میلادی / یازدهم و دوازدهم هجری

در جریان دو سده هفدهم و هجدهم میلادی / یازدهم و دوازدهم هجری ، تغییرات عمیقی در نظام سیاسی عثمانیان پدید آمد و این نظام با تمرکز زدایی گسترده ای رو به رو شد . با پایان یافتن توسعه طلبی های عثمانیان در این دوره ، نهادهای دولتی ، توانایی های اداری و نظام خود را از دست دادند و شورش های عمومی ، رکود اقتصادی ، و شکست های نظامی عدیده ای گریبانگیر عثمانیان گردیدند . تحولات سیاسی مذکور با تحولات اقتصادی داخلی ، تضعیف موقعیت امپراطوری در تجارت جهانی و ظهور امپریالیسم اروپایی ارتباط نزدیکی داشتند . قدرت یافتن اروپاییان از جمله عوامل مهم کاهش قدرت حکومت عثمانیان به شمار می آمد . در جریان قرون هفدهم و هجدهم میلادی نیز دو کشور هلند و بریتانیا وارد اقیانوس هند شدند و با تسلط بر این منطقه توانستند کنترل تجارت در آسیا را در دست بگیرند . در همین دوره ، تجارت در دریای سیاه نیز تحت

---

۱۲- وین و وسینیچ : تاریخ امپراطوری عثمانی ، ترجمه سهیل آذری ، ص ۸۶

تسلط روس ها درآمد . بدین ترتیب ، عثمانی ها تا حد زیادی از درآمدهای تجاری محروم شدند . البته آنها با افزایش تجارت قهوه که از یمن به مصر و سپس به استانبول و نهایتاً از استانبول به اروپا صادر می گردید ، توانستند تا حدودی این شکست ها را جبران کنند . در جریان دو سده هفدهم و هجدهم رقابت بین فرانسوی ها ، انگلیسی ها و هلندی ها در دریای مدیترانه بسیار جدی بود . هاندی ها و انگلیسی ها در جریان این دو سده ، فعالیت های بازرگانی خود را در دریای مدیترانه افزایش دادند و به منظور تامین امنیت کشتی های تجاری خود ، آنها را شدیداً مسلح کردند .<sup>۱۳</sup>

با وجود این ضعف ها ، عثمانی نمی توانست به مدت طولانی موجودیت خود را حفظ کند . آرزوی عثمانی برگرداندن دوران عظمت سلیمان قانونی بود که هرگز تکرار نشد . عثمانی علاوه بر مشکلات داخلی ، مشغول نبرد با امپراطوری ها بسبورگ در غرب بود . در شرق نیز با خطرات حکومت صفوی مواجه شد . شاه عباس اول پس از قبول مصالحه ی ۱۵۹۰ میلادی / ۹۹۸ هجری و شکست ازبکان ، به قلمروهای از دست رفته ی خود در خاک

---

۱۳- لایپدوس ، ایرام : تاریخ جوامع اسلامی ، ترجمه علی بختیاری زاده ، ص ۴۷۴

عثمانی حمله کرد و توانست شهرهای تبریز ، ایزون گنجه و نخجوان را تصرف کند .<sup>۱۴</sup>

در پایان سده هجدهم میلادی ، موازنه قدرت میان دول مسیحی اروپا و امپراطوری عثمانی به نمایندگی جهان اسلام کاملاً به ضرر استانبول برهم خورده بود .

سده نوزدهم شاهد تجزیه و جدا شدن پشت سرهم قسمت هایی از امپراطوری عثمانی در اروپا بود . انحطاط عثمانی از سده پیش شروع شده بود .

به نوشته جواهر لعل نرو، ترکیه بیچاره با این همسایگان نیرومند در وضع بدی قرار داشت ؛ زیرا آنها به او چشم دوخته بودند و انتظار می کشیدند که اتفاقی روی دهد تا بر سرش بریزند و قطعه قطعه اش کنند . در سال ۱۸۵۳ میلادی / ۱۲۷۰ هجری تزار روسیه خطاب به سفیر کبیر بریتانیا در مورد ترکیه گفته بود <sup>۱۵</sup>: «مردی بیمار در برابر ما می باشد ، مردی سخت بیمار .... هر لحظه ممکن است به شکلی ناگهانی بمیرد ....» این جمله بسیار معروف شد و از آن پس ترکیه عثمانی به نام «مرد بیمار اروپا» مشهور گشت .

---

۱۴- امامی خویی ، محمد تقی : پیشین ، صص ۹۲- ۹۳  
۱۵- نرو ، جواهر لعل : نگاهی به تاریخ جهان ، ترجمه محمود تفضلی ، جلد ۲ ، ص ۱۴۳

در اوایل سده نوزدهم ، دو شورش در امپراطوری عثمانی رخ داد که سر آغاز جدایی ملل بالکان از امپراطوری بود . عواملی را که موجب و زمینه ساز این قیام ها و تا حدودی به طور کلی قیامهای سده نوزدهم میلادی بالکان شد را می توان به شرح زیر بیان کرد :<sup>۱۶</sup>

۱- روحیه استقلال طلبی مردم صربستان که در آرزوی تشکیل امپراطوری قرون وسطی - استfan دوشان - بودند .

۲- صربها ، یک قوم با روحیه جنگ طلبی بوده و در امپراطوری عثمانی ، در حالی که مسیحیان اجازه حمل سلاح نداشتند ، به عنوان آقنجی - نیروهای شبه نظامی مورد استفاده قرار می گرفتند ؛ این عامل ، تأثیر فراوانی بر حفظ روحیه نظامی آنها داشت .

۳- تبعیضات نسبت به مسیحیان توسط ترکها که به آنها اجازه سوارشدن بر اسب ، بنای کلیسا ، به صدا درآوردن ناقوس نمی داد و شهادت آنها در داوری ها پذیرفته نمی شد .

---

<sup>۱۶</sup>- رحمانی ، اسحاق : مسئله بالکان از استیلا تا انقراض عثمانی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، صص ۱۳۴- ۱۳۳

۴- انحطاط امپراطوری به دلیل قحطی ها ، خشکسالی ، جنگ های پیایی با دشمنان ، عدم اصلاحات به موقع در امپراطوری .

۵- اصلاحات در امپراطوری ، که قدرت اقتصادی ینی چری ها را سلب کرد ، این عامل موجب مخالفت آنان با اصلاحات شد که شورش صربستان با مخالفت ینی چری ها آغاز شد .

۶- حمایت روسیه از اسلاوهای بالکان و به ویژه صرب ها که خود را کانون اسلاوهای بالکان می دانستند .

۷- همچوار بودن صربستان با امپراطوری ها بسبورگ اتریش ، که این امپراطوری به منظور رقابت عثمانی و روسیه ، از لحاظ نیروی انسانی و سلاح ، انقلابیون را کمک می کرد .

۸- انقلاب فرانسه و شعارهای آزادی خواهانه آن ، با همجوار شدن با عثمانی طی پیمان های کمپوفورميو (CAMPOFOMIO) - تقسیم سرزمینی های جمهوری ونیز میان فرانسه و اتریش ( در سال ۱۷۹۷ میلادی / ۱۲۱۲ هجری و پرسبورگ (PERSBURGE) میان فرانسه و اتریش بر سر کرواسی و دالماسی ) در سال ۱۸۰۵ میلادی / ۱۲۲۰ هجری .

بدین ترتیب ، زمینه برای قیام بر ضد امپراطوری عثمانی مهیا بود و از این نارضایتی ها کشورهای قدرتمند آن زمان مانند روسیه - انگلستان - فرانسه و اتریش به نفع خود بهره برداری می کردند.

به هر حال از همان آغاز و در طول سده نوزدهم ، دولت هایی که بیش از همه در سرنوشت دولت عثمانی تأمل می کردند ، عبارت بودند از :

(۱-) دولت انگلیس که در اندیشه تأمین راههای ارتباطی شرق دور ، به ویژه هند و برقراری ارتباط تجاری با آن ، خواه از طریق سوئز و دریای سرخ و خواه از راه خلیج فارس و رودهای دجله و فرات بود .

(۲-) امپراطوری روسیه ، که در پی یافتن راهی از طریق دریای سیاه به آبهای گرم دریای مدیترانه بود . این کار با تسلط بر استانبول و تنگه های بوسفور و داردانل امکان پذیر بود . این دولت همچنین در فکر نفوذ در بالکان بود تا بتواند دولت اسلاوی بزرگی در آن ناحیه تأسیس کند.

(۳-) فرانسه ، که از همان ابتدا گویی رسالت دفاع از رعایای نصرانی کاتولیک را به طور کلی در سرزمین شام و دفاع از

مارونی های لبنان را بطور خاص بر عهده گرفته بود . این دولت همچنین در پی تأمین مصالح فرد در آن منطقه و نیز سلطه بر برخی از سرزمین های عثمانی در مرزهای شمالی قاره آفریقا و به طور خاص در تونس و الجزایر بود .

۴-) به جز این سه دولت بزرگ دولت های دیگری مانند اتریش و آلمان نیز به آینده دولت عثمانی می اندیشیدند ؛ دولتی که زوال آن قریب الوقوع بود و به همین دلیل ، آن را مرد بیمار اروپا می نامیدند .

در جنگ جهانی اول ، امپراطوری عثمانی برای جبران عقب افتادگی و شکست هایش که فکر می کرد آلمان پیروز خواهد شد ، به جبهه متحدین پیوست . اما با شکست آلمان در پایان جنگ مرگ امپراطوری عثمانی هم فرا رسید .

در پایان جنگ ، دولت آنکارا و استانبول در پاییز ۱۳۴۰ / ۱۹۲۲ برای انعقاد پیمانی به کنفرانس لوزان فراخوانده شدند . مصطفی کمال آتاتورک ، که فرصت را مناسب دید ، مسئله جدایی دولت از خلافت را مطرح کرد . زمانی که مجلس با او موافقت نکرد ، وی نیز بر نظر خود پافشاری و مخالفان

را تهدید به قتل کرد.<sup>۱۷</sup> کنفرانس صلح ، که در پی این رویدادها برگزار شد ، به معاهده صلح لوزان ( شهری در جنوب غربی سوئیس ) در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ میلادی منتهی شد . به موجب پیمان مزبور ، حاکمیت ترکیه بر تقریباً تمام مناطقی که در حال حاضر ، کشور جمهوری ترکیه را تشکیل می دهد ، به طور کامل به رسمیت شناخته شد<sup>۱۸</sup>.

لازم به یادآوری است که لردکرزن چهار شرط را برای پذیرش استقلال ترکیه مطرح کرد :<sup>۱۹</sup>

الف -) الغای کامل خلافت اسلامی ؛

ب-) بیرون راندن خلیفه از سرزمین ترکیه ؛

ج-) مصادره اموال او ؛

د-) اعلان لائیک بودن دولت .

مصطفی کمال آتاتورک ، پس از الغای سلطنت و فرستادن آخرین سلطان ، محمد پنجم به تبعید ، در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ میلادی / ۱۳۴۲ هجری ، ترکیه را یک کشور جمهوری اعلان کرد . بدین ترتیب بدنبال یک امپراطوری

---

۱۷-احمد یاقی ، اسماعیل : دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال ، ترجمه رسول جعفریان ، ص ۱۹۲

۱۸-منسفلید ، پیتر : تاریخ خاورمیانه ، ترجمه عبدالعلی اسپنهدی ، ص ۱۹۹

۱۹-احمد یاقی ، اسماعیل : پیشین ، ص ۱۹۳

جهانی ، ترکیه به عنوان یک دولت ملی  
باقی ماند .

بدین سان در تاریخ نژاد ترک ، مرحله  
جدیدی در پی مرحله قدیم ، آغاز گشت .<sup>۲۰</sup>

پس از ملغی شدن خلافت در سال ۱۹۲۴ / ۱۳۴۳  
به امپراطور عثمانی دستور داده شد تا  
ترکیه را ترک کند . پس از آن ، مناصب  
مربوط به او ملغی شد و اوقاف در اختیار  
دولت قرار گرفت . بدین ترتیب ، مصطفی  
کمال آتاتورک خواستهای انگلیس در لوزان  
را به اجرا گذاشت .

#### نتیجه

ظهور سلسله عثمانی و سیطره آن بر بیشتر  
سرزمین های اروپا و آسیا ، یکی از مهم  
ترین رویدادهای تاریخ است . در سده  
هفدهم هجری قمری / سیزدهم میلادی ، از  
میان چند امیرنشین که امپراطوری رو به  
زوال روم شرقی ( بیزانس ) را در آناتولی  
غربی احاطه کرده بودند ، عثمانی ها تنها  
بر یکی حکومت داشتند . آنان طی دو سده  
حکومتی بنا نهادند که نه فقط سرزمین های  
امپراطوری یشین ، لین بیزانس در جنوب  
شرقی اروپا و آناتولی را در بر می گرفت

---

۲۰- راس ، لردکین : قرون عثمانی ، ترجمه پروانه ستاری ، ص ۶۲۸

، بلکه سرزمین های هنگری - و  
دنیای عرب را نیز شامل می شد .

امپراطوری عثمانی با تکیه بر اختلافات  
مذهبی ، قومی ، نژادی ، ارضی و آرمانی  
ملل و پادشاهی های بالکا ،  
به حیات آنها خاتمه داد و با فتح  
قسطنطنیه و سرنگونی بیزانس به اداره  
مستقیم اراضی بالکان پرداخت .

عثمانی ها با توجه به تصرف نواحی بسیار  
، باعث گسترش سرزمین های اسلامی در جهان  
شدند که این کار با فتح قسطنطنیه و ورود  
مسلمانان به اروپا صورت گرفت . همچنین  
حکومت عثمانی توانست بیشتر دنیای اسلام  
را به کشوری یکپارچه تبدیل کند که در  
جمع ، مساحت آن به حدود بیست میلیون  
کیلومتر مربع می رسید . شکست امپراطوری  
عثمانی در وین در سال ۱۶۸۳ میلادی و  
بدنبال آن بسته شدن معاهده کارلووتیز در  
سال ۱۶۹۹ میلادی ، فصل تازه ای را در  
تاریخ عثمانی گشود .

معاهده کارلووتیز ، نخستین قرارداد از  
شمار قراردادهایی بود که میان عثمانی و  
ائتلاف قدرتهای اروپایی ، که علیه حکومت  
عثمانی متحد شده بودند ، منعقد شد و این  
خود ، نشانگر تغییر موضع عثمانی ها از  
حالت تهاجمی به دفاعی بود و پذیرش رسمی

از دست دادن سرزمین هایی از قلمرو  
عثمانی که نشانگر شروع عقب نشینی واقعی  
آنها از اروپا بود .

پس از جنگ جهانی اول با توجه به شکست  
عثمانی ها و توافق کشورهای استعماری با  
یکدیگر ، شاهد تجزیه و نابودی امپراطوری  
عثمانی هستیم .

### منابع :

(۱-) استانفورد ، جی شاو : تاریخ  
امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید ، ترجمه  
محمود رمضان زاده ، مشهد ، آستان قدس  
رضوی ، ۱۳۷۰

(۲-) دولاندلن ، شارل : تاریخ جهانی ،  
ترجمه احمد بهمنش ، تهران ، دانشگاه  
تهران ، ۱۳۸۲

(۳-) اینالحق ، خلیل : استانبول و فتح آن  
، ترجمه علی کاتبی ، تهران ، دایره  
المعارف اسلامی ، ۱۳۷۳

(۴-) امامی خویی ، محمد تقی : تاریخ  
امپراطوری عثمانی ، تهران ، سمت ، ۱۳۹۶

(۵-) وین و وسینیچ : تاریخ امپراطوری  
عثمانی ، ترجمه سهیل آذری ، تهران ،  
فرانکلین ، ۱۳۴۶

۶- ( لاپیدوس ، ایرام : تاریخ جوامع اسلامی ، ترجمه علی بختیاری زاده ، تهران ، انتشارات اطلاعات ، ۱۳۸۱

۷- ( نرو ، جواهر لعل : نگاهی به تاریخ جهان ، ترجمه محمود تفضلی ، تهران امیرکبیر ، ۱۳۵۳

۸- ( رحمانی ، اسحاق : مسئله بالکان از استیلا تا انقراض عثمانی ، تبریز ، دانشگاه تبریز ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، ۱۳۸۳

۹- ( راس ، لرد کین : قرون عثمانی ، ترجمه پروانه ستاری ، تهران ، کهکشان ، ۱۳۷۳

۱۰- ( احمد یاقی ، اسماعیل : دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال ، ترجمه رسول جعفریان ، قم ، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ، ۱۹۷۹

۱۱- ( منسفلید ، پیتر : تاریخ خاورمیانه ، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۸۵

۱۲- ( اینالحق ، خلیل : امپراطوری عثمانی ( عصر متقدم ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی ) ترجمه کیومرث قرقلد ، تهران ، انتشارات بصیرت ، ۱۳۸۸

۱۳- (چارشی لی ، اسماعیل حقی : تاریخ عثمانی ، ترجمه وهاب ولی ، تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۷۰

۱۴- (پنحافسکی ، ژرژ : تاریخ خاورمیانه ، ترجمه هادی جزایری ، تهران ، اقبال ، ۱۳۳۷

۱۵- (غفاری فرد ، عباسعلی : تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم ، تهران ، انتشارات اطلاعات ، ۱۳۶۷

۱۶- (لوئیس ، برنارد : ظهور ترکیه جدید ، ترجمه محسن علی سبحانی ، تهران ، سمیه ، ۱۳۷۲